

«نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران»

نویسنده: علیرضا عندلیب

بررسی مناطق مرزی و میزان اهمیت آن در چارچوب مطالعات امنیتی، مقوله‌ای آشنا و دارای سوابق مشخصی در این حوزه مطالعاتی است؛ چرا که مرزهای سرزمینی همواره اولین مخاطبان تهاجمات نظامی علیه کشورها محسوب می‌شوند. این مهم حتی در شرایط کنونی که فن‌آوری و تسلیحات پیشرفته با بُرد گسترده و فراتر از موانع فیزیکی مستقر در نقاط مرزی، از قابلیت‌های لازم برای ایفای نقش در عرصه‌های نبرد برخوردارند، کماکان از میزان خاص اهمیت برخوردار است. در همین خصوص باید توجه داشت که بررسی مسائل امنیتی نقاط مرزی در صحنه بروز تهدیدات و تهاجمات نظامی، با اتکای بر منطق "حوزه مطالعاتی آمایش"، می‌تواند فرازهای دیگری را از چگونگی پیوندیابی نظریه‌های امنیتی و دیدگاه‌های جاری در حوزه آمایش در رابطه با مناطق مرزی ارائه دهد. چگونگی ارتباطیابی میان حوزه‌های مطالعاتی مزبور (امنیت، آمایش و مناطق مرزی) با اتکای بر تجربیات حاصل از جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق علیه ایران، عملاً بستر اصلی پرسش‌های محوری کتاب "نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران" را تشکیل می‌دهد:

- عوامل مؤثر تشکیل دهنده آمایش مناطق مرزی کدام است؟
- توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی چه نقشی دارند؟
- آیا میان توسعه و امنیت رابطه‌ای برقرار است؟ این رابطه چگونه است؟
- آیا عوامل کالبدی و غیرکالبدی توسعه و امنیت با یکدیگر رابطه دارند؟ این رابطه چگونه است.

- چه رابطه‌ای میان توسعه و امنیت مناطق مرزی با توسعه و امنیت ملی برقرار است و چگونه؟

نویسنده کتاب در چارچوب پیشگفتار خود ضمن اشاره به خلأ مطالعاتی و تحقیقاتی متمرکز و همه جانبه در مورد آمایش مناطق مرزی که از سوی مراجع رسمی کشور به تصویب رسیده باشد، علل موجب اهمیت خاص این حوزه مطالعاتی را در محورهایی چون وجود طولانی‌ترین مرزها و تنوع جغرافیایی (در میان نه کشور خاورمیانه)، قرار گرفتن نیمی از استانهای کشور در این مناطق و تعدد و تنوع کشورهای همسایه (۱۵ کشور) که اغلب دچار بی‌ثباتی یا ضعف در ایجاد ثبات کامل سیاسی، اقتصادی، ... و فاقد توان اعمال کنترل لازم بر مرزهای خود هستند؛ تراکم کم جمعیت و پراکندگی آن و وجود جمعیت‌های متحرک در برخی از مناطق مرزی به همراه کمبود زیرساخت‌های توسعه و ضعف بنیادهای اقتصادی، محرومیت و توسعه‌نیافتگی شدید و وضعیت نامتعادل و نابرابر اقتصادی، فرهنگی، ... این مناطق با مناطق مرکزی؛ وجود قومیت‌های متنوع در مناطق مرزی و وجود ساختارهای سیاسی وابسته به قدرتهای خارجی در برخی از کشورهای مجاور؛ تحمیل هزینه‌های سنگین مادی و معنوی در ایجاد امنیت و به خطر انداختن سرمایه‌های کلان ملی در این مناطق؛ فقدان نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری هماهنگ و کارآمد در این مناطق، برمی‌شمارد. در همین راستا نویسنده مدعی است که به رغم تلاشهای صورت گرفته در طول سه دهه قبل، طرحهای پیشین آمایش کشور، از مفاهیم متنوع، مبهم و گاه متضاد برخوردار بوده و فاقد وفاق لازم در تعاریف و مفاهیم نظری و کاربردی است و به ویژه موضوعات دفاعی و امنیت، کمترین میزان تأثیرگذاری در طرحهای مزبور را دارند.

کتاب مزبور که حاصل مطالعات و تجربیات نویسنده در طول هشت سال دفاع مقدس در چارچوب تدوین رساله پژوهشی مقطع دکتری، و به زعم وی نخستین اثر منتشرشده در کشور در عرصه نظریه‌پردازی آمایش و دفاع است، از چهار فصل تشکیل شده است. در فصل اول که مروری تحلیلی بر نظریه‌ها، دیدگاهها و تجارب توسعه و آمایش در جهان (با تأکید بر مناطق مرزی) را دربر دارد، در ابتدا نویسنده تعاریف و مفاهیم توسعه و آمایش را مورد بررسی قرار می‌دهد. شایان ذکر است که در این فصل نظریه‌ها و دیدگاههای آمایش در قالب نظریه‌های کریستالر، مکان‌یابی صنعتی، قطب

رشد، مرکز رشد، مرکز - پیرامون، برگشت متمرکز، نظریه هانسن، نظریه جونز و وایلد مورد بحث قرار گرفته و نقاط ضعف و قوت هریک مورد تحلیل واقع شده است. در ادامه فصل ضمن اشاره به اصول قابل استخراج از دیدگاههای مزبور به منزله "اصول چارچوب نظری آمایش مناطق مرزی"، تجارب برخی کشورها در مواردی چون "مرز مشترک آمریکا و مکزیک"، "مرز مشترک ایرلند شمالی و جمهوری ایرلند"، "مناطق مرزی رژیم صهیونیستی"، "مناطق مرزی میانمار (برمه)" و "مناطق مرزی ایران (قبل و بعد از انقلاب اسلامی) مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در پایان فصل مزبور، اصول چارچوب نظری توسعه و آمایش مناطق مرزی با تأکید بر مباحث نظری و تجربی در مطالعات جهانی، در قالب هفت محور ارائه شده است.

فصل دوم کتاب در پی مرور تحلیلی نظریه‌های امنیتی و دفاعی، و تجارب مربوط در کشورهای مختلف (با تأکید بر مناطق مرزی) است. در این فصل ابتدا کلیات مربوط به مقوله امنیت ملی مطرح شده و در ادامه، نظریه‌های امنیتی شاخص چون نظریه واقع‌گرایی (نگرش امنیت - قدرت)، دیدگاه امنیت - توسعه، دیدگاه چندسویه‌نگر (امنیت همه جانبه)، دیدگاه‌های امنیتی بلوک شرق (در دوران جنگ سرد و مقطع ظهور سیاستهای گورباچف)؛ دیدگاه‌های نوین امنیتی بعد از جنگ سرد و دیدگاه‌های جهان سومی در مورد امنیتی با تأکید بر نقاط ضعف و قوت هریک و مرکز ثقل نظری آنان بر مقوله مرز، مورد بحث قرار گرفته است. در دنباله بحث، تجارب و ملاحظات امنیتی تعدادی از کشورها با تأکید خاص بر جایگاه مفهوم مرز در ملاحظات مزبور مطرح شده که عبارت‌انداز رژیم صهیونیستی اسرائیل، دولت بعثی عراق و ایران (قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی). در پایان این فصل نویسنده می‌کوشد که براساس نتایج حاصل از تلفیق اصول نظری امنیت و دفاع با محورهای تجربی حاصل از مطالعات موردی، اصول مشترک میان دو حوزه مزبور را استخراج کند و از رهگذر آن، اصول نظری امنیت و دفاع در مناطق مرزی را در قالب ۴ اصل مطرح سازد.

در فصل سوم تحت عنوان نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر توسعه، امنیت و دفاع)، نویسنده ابتدا می‌کوشد تا در سایه مروری بر سوابق و اقدامات انجام شده و رؤوس اقدامات تکمیلی در تدوین نظریه آمایش، اصول چارچوب نظری آمایش مناطق مرزی با تأکید بر توسعه، امنیت و دفاع را بر پایه مباحث

نظری و تجربی در مطالعات جهانی ارائه دهد. نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی ج.ا.ا عنوان بخش بعدی فصل مزبور است که در پایان به اصول چهارگانه‌ای منجر می‌شود.

با توجه به نتایج حاصل از مطالعه و تحلیل تجربیات جهانی و مرور دیدگاهها و نظریه‌های توسعه، امنیت و دفاع در آمایش مناطق مرزی، در این فصل ۴ گروه از نگرشهای مربوط براساس نوع ساختارهای نظام سیاسی، اقتصادی،... مطرح می‌شود که عبارت‌اند از «نگرش قایل به تقدم امنیت بر توسعه» (نمونه کشور عراق)، «نگرش معتقد به تقدم توسعه بر امنیت» (نمونه مرز میان آمریکا و مکزیک)، «نگرش قایل به درک متقابل توسعه و امنیت» (نمونه کشورهای اروپای غربی عضو اتحادیه اروپا)، «نگرش قایل به تفکیک توسعه و امنیت در عرصه عمل» (نمونه جمهوری اسلامی ایران).

در مورد مباحث پیش، نویسنده می‌کوشد که بر مبنای نگاه تحلیلی ارائه شده نسبت به هر یک از دیدگاههای مزبور و نقاط ضعف و قوت هر یک، رؤوس نتایج حاصله در مورد چگونگی و چرایی ارتباط میان امنیت و توسعه در مناطق مرزی را در قالب محورهای مشخصی ارائه کند.

«خصوصیات و ویژگیهای مؤثر بر آمایش مناطق مرزی»، بخش بعدی سومین فصل این کتاب است که مشتمل بر مؤلفه‌های زیر است:

دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی، ناپایداری سکونت، توسعه نیافتگی و حاشیه‌ای بودن، رونق مبادلات اقتصادی، تبادللات مرزی، تفاوت‌های فرهنگی، تهدیدات خارجی، ضمیمیت سیستم.

آخرین بخش این فصل اصول، راهبردها و سیاستهای آمایش مناطق مرزی است که براساس یافته‌های قبلی استنتاج شده است:

۱- اصول، راهبردها و سیاستهای توسعه:

- اصول کلی توسعه مناطق مرزی:

- اصل درون‌زایی

- اصل ارتباط‌دهی

- اصل محرومیت‌زدایی

- راهبردهای توسعه مناطق مرزی؛

- سیاستهای کلی توسعه مناطق مرزی؛

۲- اصول، راهبردها و سیاستهای دفاعی و امنیتی :

- اصول کلی دفاعی و امنیتی مناطق مرزی :

- اصل آمادگی دفاعی

- اصل امنیت عمومی

- اصل هم‌پیوندی

- راهبردهای دفاعی و امنیتی مناطق مرزی؛

- سیاستهای کلی دفاع و امنیت مناطق مرزی؛

۳- اصول، راهبردها و سیاستهای سازماندهی فضایی مناطق مرزی :

- اصول کلی سازماندهی فضایی مناطق مرزی :

- اصل تعادل فضایی

- اصل مشارکت

- اصل هویت

- راهبردهای سازماندهی فضایی مناطق مرزی

- سیاستهای کلی سازماندهی فضایی مناطق مرزی

چهارمین و آخرین فصل کتاب، مشتمل بر توصیه‌ها و پیشنهادهای اجرایی شانزده‌گانه‌ای برای فضای تصمیم‌سازی و مدیریت امور آمایش، توسعه و امنیت مناطق مرزی کشور است.

علی اصغر کیوان حسینی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی